



The Role of Ethnic and Religious Cohesion in Iran in Realizing the Model of the New Islamic Civilization

Seyed Akbar Ghasemi

PhD in Geopolitics, National Defense University, Tehran, Iran

Email: seyedghasemi2014@gmail.com

Abstract

This study examines the strategic role of national cohesion, grounded in Iran's ethnic and religious diversity, in advancing the realization of the model of the New Islamic Civilization. In accordance with the conception of the New Islamic Civilization as a comprehensive civilizational model for humanity, its realization requires the establishment of fundamental domestic foundations, among which national unity and social cohesion constitute the most essential prerequisites. This applied-developmental study employs an integrated methodological approach combining conceptual analysis, structural theorization, and the examination of upstream policy documents. The study population consisted of sixteen experts selected through purposive sampling. The findings identified a total of forty-one strategic factors, including seven strengths, eight weaknesses, thirteen opportunities, and thirteen threats. The results demonstrate that ethnic and religious cohesion represents not only a social necessity but also a strategic asset capable of enhancing Iran's position as a regional power and a model for the broader Islamic world. The study further argues that the realization of the New Islamic Civilization is contingent upon the development of robust social capital founded on the inclusive participation of all ethnic and religious communities. When effectively managed, endogenous diversity arising from ethnic pluralism can be transformed into durable national cohesion, thereby serving as a fundamental driver of civilizational advancement

Keywords: New Islamic Civilization; Culture; Ethnic Cohesion; Religious Cohesion



بررسی نقش هم‌گرایی اقوام و مذاهب داخلی ایران در تحقق الگوی تمدن نوین اسلامی

سید اکبر قاسمی

دکتری تخصصی ژئوپلیتیک، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

Email: seyedghasemi2014@gmail.com

چکیده

هدف این مقاله، تحلیل نقش استراتژیک هم‌گرایی ملی مبتنی بر تنوع قومی و مذهبی در فرایند تمدن‌سازی نوین اسلامی در جمهوری اسلامی ایران است. با توجه به تعریف رهبر معظم انقلاب از تمدن نوین اسلامی به‌عنوان یک الگوی جامع بشری، تحقق این امر مستلزم فراهم آوردن زیرساخت‌های بنیادین داخلی است که مهم‌ترین آن‌ها، انسجام و وحدت ملی است. روش پژوهش ترکیبی از تحلیل مفهومی، نظریه‌پردازی ساختاری و بررسی اسناد بالادستی است. تحقیق حاضر از نوع کاربردی-توسعه‌ای است. جامعه آماری آن به‌صورت هدفمند متشکل از ۱۶ نفر از خبرگان تشکیل شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ۴۱ عامل؛ ۷ قوت، ۸ ضعف، ۱۳ فرصت و ۱۳ تهدید مشخص گردید. یافته‌های اصلی نشان می‌دهد که هم‌گرایی اقوام و مذاهب نه تنها یک ضرورت اجتماعی، بلکه یک مزیت استراتژیک برای تبدیل شدن ایران به قدرت منطقه‌ای و الگویی جهانی است. تمدن نوین اسلامی بدون برخورداری از سرمایه اجتماعی قوی و مبتنی بر مشارکت فراگیر همه اقوام، قابل دستیابی نخواهد بود؛ چراکه کثرت درون‌زا (تنوع اقوام) در صورت مدیریت صحیح، به وحدت نیرومند (هم‌گرایی) تبدیل شده و این هم‌گرایی، تبدیل به موتور محرک پیشرفت تمدنی خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: تمدن نوین اسلامی، فرهنگ، هم‌گرایی اقوام، هم‌گرایی مذاهب

مقدمه

«تمدن»^۱ در لغت به معنای شهرنشینی، شهرنشینی گزیدن و ... آمده است که ناظر بر بیرون آمدن انسان از حالت وحشی‌گری و خارج شدن یک جامعه از مرحله ابتدایی است (دهخدا، ۱۴۰۰: ۹۸؛ عمید، ۱۳۹۵: ۶۵) برای مفهوم اصطلاحی تمدن تعاریف بسیار به کار برده‌اند؛ مانند مرحله یا نوعی خاص از فرهنگ که در عصر معینی موجودیت یافته و حاصل نبوغ اقلیت مبتکر و نوآور است (لوکاس^۲، ۱۳۹۳: ۱۶) و در تعریفی دیگر تمدن بالاترین گروه‌بندی فرهنگی و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی به شمار می‌آید.

پس از ظهور اسلام، تشکیل دولت اسلامی و گردآمدن ملل گوناگون در زیر پرچم اسلام تمدنی عظیم، شکوهمند و بسیار کم‌نظیر به نام تمدن اسلامی شکل گرفت که در برآمدن آن اقوام گوناگون از آسیا و آفریقا و حتی اروپا سهیم بودند و در این میان ایرانیان بیش از همه نقش‌آفرینی کردند (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۸).

تمدن نوین اسلامی مفهومی است که در گفتمان استراتژیک جمهوری اسلامی ایران، به عنوان چشم‌اندازی نهایی برای استقرار یک نظم نوین جهانی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی مطرح شده است. این تمدن، فراتر از یک نظام سیاسی صرف، یک الگوی جامع فرهنگی، اقتصادی، علمی و اجتماعی است که می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای مادی و معنوی بشر معاصر باشد و بر نظام سلطه و مادی‌گرایی غرب فائق آید.

تحقق چنین آرمان بزرگی، نیازمند فراهم آوردن الزامات داخلی و زیرساخت‌های بنیادینی است که مهم‌ترین آن‌ها، انسجام ملی و قدرت درونی نظام است. جمهوری اسلامی ایران، با قرارگیری در تقاطع تمدن‌ها و دارا بودن گستره جغرافیایی وسیع، میزبان اقوام و مذاهب متنوعی است که سرمایه‌ای عظیم و درعین حال، نیازمند مدیریتی هوشمندانه محسوب می‌شوند. در این بستر، هم‌گرایی ملی (شامل هم‌گرایی قومی و مذهبی) از یک ملاحظه صرفاً اجتماعی، به یک ضرورت استراتژیک ارتقا می‌یابد.



این مقاله بر این فرض استوار است که تنوع قومی و مذهبی، اگر با مکانیسم‌های فعال هم‌گرایی مدیریت شود، می‌تواند نیروی محرکه اصلی برای تحقق تمدن نوین اسلامی باشد؛ در غیر این صورت، عاملی برای شکاف و تضعیف قدرت داخلی تلقی خواهد شد؛ بنابراین، تحلیل چگونگی تبدیل این کثرت به وحدت نیرومند، محور اصلی این پژوهش است.

۱. پیشینه پژوهش

الهامی و همکاران (۱۴۰۳) در مطالعه‌ای با عنوان «راهبرد ارتقای جایگاه ژئوکالچر جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز جنوبی» به این نتیجه رسیدند که توسعه حوزه نفوذ فرهنگی و بهره‌برداری مطلوب از تمامی مؤلفه‌های جغرافیایی برای ایجاد هم‌گرایی با سایر کشورها، صرفاً از طریق انجام تحقیقات علمی و شناسایی دقیق عناصر جغرافیایی ممکن است. از آنجایی که وجود فرهنگ یکی از مؤلفه‌های جغرافیایی است که به سرعت بار و معنای سیاسی یافته و بازیگران سیاسی از آن به عنوان ابزار اعمال قدرت و فشار بر رقبای خود استفاده می‌نمایند به خوبی گویای این حقیقت است که مؤلفه‌های جغرافیایی هرگاه بار سیاسی پیدا نمایند واکنش‌های مثبت و منفی مختلفی را در پی خواهند داشت که منجر به ایجاد هم‌گرایی و یا واگرایی در نواحی جغرافیایی شده و زمینه مناسبی برای اعمال قدرت قلمرو جغرافیایی فراهم می‌آورد.

احمدی مقدم (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «راهبردهای دانشگاه عالی دفاع ملی در مسیر تمدن‌سازی در افق ۱۴۱۰» به این نتیجه رسید که فرمانده معظم کل قوا (مدظله‌العالی) در بیانیه موسوم به گام دوم انقلاب اسلامی در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی، نقش ویژه‌ای برای دانشگاه‌ها قائل شدند. در همین چهارچوب، «دانشگاه عالی دفاع ملی» دارای نقش ویژه‌ای در تربیت مدیران شایسته برای مرحله ساخت دولت اسلامی و جامعه اسلامی و همچنین حضور فعال در فرایند تصمیم‌گیری در سطح ملی و نیروهای مسلح است.

جمعی از دانشجویان دوره دکتری مدیریت راهبردی فرهنگی (گروه مطالعاتی)، سال ۱۳۹۷، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و مطالعات راهبردی، دانشکده مدیریت راهبردی

به این نتیجه رسیدند که در جهان معاصر که همه مکاتب بشری به‌ویژه مکاتب غیردینی درصدد جهانی‌سازی تمدن خویش بوده و این نظریه که تمدن بشری در بستر تمدن غربی به فرجام خواهد رسید در حال استیلا یافتن بر نظریات تمدنی است و بر مبنای این نظریه تلاش فراوانی برای نهادینه‌سازی انسان‌مداری فرد محوری و مادی‌گرایی تمدن غربی انجام می‌پذیرد و از سوی دیگر برخی از کشورهای اسلامی نیز درصدد ایجاد تمدنی جدید با ویژگی‌های ملی‌گرایانه نژادگرایانه و غالباً مبتنی بر برداشت‌های خاص از اسلام هستند و درحالی‌که نظام جمهوری اسلامی ایران ادعای ایجاد تمدن نوین اسلامی با قابلیت‌ها و ویژگی‌های کاربردی تمدن ذکر شده به تحقق آن کمک شایانی خواهد نمود.

سعادت و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «ظرفیت‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در تمدن‌سازی» به این نتیجه رسیدند که مؤلفه‌های ممتاز و متمایز قدرت نرم جمهوری اسلامی عبارت است از: جریان ولایت الهی در حیات اجتماعی و سیاسی، اصل تولی و تبری، ابتدای آن بر فطرت، حق‌جویی، خصلت انقلاب-نظام، استواری بر مکتب عاشورا، امامت و امت، اصول و ارزش‌های فرهنگی و سیاسی، دیپلماسی فرهنگی، امت واحده و این داشته‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی چون سازنده، حرکت آفرین، جامع و غایت‌مدار است و استعدادهای سرزمینی و انسانی کشور را در مسیر درست، فطری و متعالی قرار داده و انگیزه‌های پشتوانه مردمی، انسجام و پیوند مردمی را با حاکمیت فراهم می‌آورد، استمرار و تقویت آن، تمدن نوین اسلامی-ایرانی را در شکل نوین آن می‌آفریند.

شکوهی در سال ۱۳۹۷ در مقاله‌ای با عنوان «ناکامی مشترکات ژئوپلیتیک و فرهنگ در ادغام ایران و کشورهای آسیای مرکزی» به این نتیجه رسیده است که ارتقای ارتباط مردم با مردم، دولت‌ها می‌توانند به مردم خود کمک کنند تا به منابع دانش گسترده منطقه دسترسی پیدا کنند و همچنین درک بهتری از فرهنگ‌ها و نظام‌های ارزشی متنوع منطقه را تقویت کنند اگر ایران می‌خواهد از سرمایه‌های فرهنگی خود به بهترین شکل استفاده کند و تعاملات معناداری برقرار کند، ابتدا باید با مشارکت در طرح‌های منطقه‌ای دوجانبه، سه‌جانبه و چندجانبه و ایجاد زیرساخت‌های سخت، اقدامات اعتمادسازی را انجام دهد. سپس براساس



این زیرساخت‌های سخت می‌تواند برای تقویت روابط فرهنگی خود با کشورهای منطقه دست به ابتکاراتی بزند.

اندرابی (۲۰۲۴) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر تعاملات بین فرهنگی بر پیشرفت علمی دوران طلایی اسلامی» به این نتیجه رسیده است که عصر طلایی اسلامی، تقریباً از قرن هشتم تا چهاردهم، شاهد شکوفایی بی‌نظیر دانش علمی، نوآوری‌های فناوری و تبادل فرهنگی در سراسر جهان اسلام بود. مشخصه این دوره مجموعه‌ای غنی از تعاملات بین فرهنگی بود که در آن دانشمندان با پیشینه‌های مختلف از جمله عرب‌ها، ایرانی‌ها، یونانی‌ها و هندی‌ها با یکدیگر تبادل نظر کردند و به پیشرفت‌های چشمگیری در زمینه‌های مختلف علم و یادگیری کمک کردند.

۲. مفهوم‌شناسی

تمدن نوین: «تمدن نوین، عبارت است از مؤلفه‌های تمدنی که متناسب با شرایط و اقتضائات روز در جهت رشد و ارتقای فردی و اجتماعی به کار می‌رود و پاسخ‌گوی نیازهای مفهوم نسبی است که متناسب با زمان، مکان، جامعه مخاطب و عواملی دیگر از این دست، اهمیت و کاربرد مؤلفه‌های آن متفاوت خواهد بود. از این رو هرچند بسیاری از مؤلفه‌ها و عناصر فرهنگ و تمدن در گذشته و حال اهمیت و کاربرد داشته و دارد (ملک افضلی اردکانی، ۱۳۹۴) تمدن اسلامی: اسلام دینی است که با توجه به جهان‌بینی برخاسته از متن قرآن و سیره نبوی و اولیای الهی، همه آنچه را که بشر برای تعالی خویش بدان نیازمند است در اختیارش می‌نهد. تمدن اسلامی، تمدنی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور دین اسلام می‌گردد. با توجه به همین پسوند پرمایه، دارای آغاز و انتها است (جان احمدی، ۱۳۹۹: ۵۱).

۳. چهارچوب نظری پژوهش

موقعیت جغرافیایی ایران حلقه ارتباطی سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا را به وجود آورده و سرزمین فعلی جمهوری اسلامی ایران از شمال به کشورهای مستقل مُشترک‌المنافع و دریای

خزر، از شرق به کشورهای افغانستان و پاکستان، از جنوب به دریای عمان و خلیج فارس و از غرب به کشورهای عراق و ترکیه محدود می‌گردد. کشور ایران با مالکیت بر چندین جزیره کوچک و بزرگ و نقاط راهبردی در خلیج فارس و تسلط بر تنگه هرمز از نظر موقعیت جغرافیایی دارای اهمیت فوق‌العاده راهبردی است. کشور ایران شانزدهمین کشور بزرگ جهان و سومین کشور پهناور غرب آسیا محسوب می‌گردد. وسعت نسبتاً زیاد و شکل خاص سرزمین ایران همسایگی با ۱۵ کشور کوچک و بزرگ را باعث شده و علاوه بر تنوع در شکل و نوع مرزهای مشترک با همسایگان (مرزهای مُحدَب، مُقَعَر، آبی، خاکی، واقع در زمین‌های پست، هموار یا بر روی ارتفاعات) اختلافات ارضی و مرزی را با آنان موجب شده است (امیریان دوست و بانی اردلان، ۲۰۲۴: ۱۴۵).

جغرافیای فرهنگی-اجتماعی ایران: با ظهور اسلام و نفوذ آن در سرزمین ایران در اواسط قرن هفتم میلادی، در کنار استقبال مردم از دین اسلام، جنبش‌های ایران‌گرایانه برای حفظ فرهنگ ایرانی و زندگی مستقل سیاسی کشور در همه جنبه‌های زندگی اجتماعی مردم این سرزمین نمایان گردید. همچنین رشد مذهب تشیع و شیعه‌گرایی میان توده‌های مردم این سرزمین، یکی دیگر از عناصر بسیار مهم در بازپیدایی هویت ایرانی و کشور ایران بود. نفوذ و گسترش اسلام در فلات ایران، اثر ژرفی بر این کشور، به‌عنوان یک قدرت سیاسی و یک هویت نهاد و این رویداد بزرگ اثر فرهنگی و مدنی گسترده‌ای بر ایران گذارد (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۱۳۵)؛ بنابراین هویت ایرانی، هویتی یک پایه نیست و به‌رغم هویت یک پایه اعراب و ترک‌ها که متکی بر عامل زبان است، هویت ایرانی، هویتی چندپایه است و بر عواملی چون؛ سرزمین مشترک، تاریخ مشترک، ادبیات مشترک، دین مشترک و آداب و سنن مشترک استوار است؛ بنابراین چنانچه هر ایرانی در یک عامل از عوامل مزبور با ایرانی دیگری شریک نباشد، در دیگر عوامل با او و دیگر ایرانیان شریک خواهد بود. هویت ملی ایرانی که در حقیقت چتر گسترده‌ای است و هویت‌های محلی اقوامی چند را در درون خود دارد، عنصر پیونددهنده این اقوام است. اقوامی چون؛ آذری، گُرد، لُر، بلوچ، فارس، گیلکی و ... همه مردمانی ایرانی هستند که از هویت قومی ویژه با زمینه‌های گسترده‌ای از مشترکات هویتی



ملی برخوردار هستند. مذهب تشیع، عاملی نیرومند در بازسازی موجودیت سیاسی ایران است. هم‌زمان با افزایش فشار بر ایرانیان از سوی خلافت بغداد، تشیع از میان انبوه مردم ایران طرفداران بیشتری یافت. ایرانیان با گرایش به تشیع توانستند ضمن مسلمان بودن، هویت ملی و مذهبی جداگانه خود را نسبت به خلافت عربی، جلوه‌گر سازند. این هویت در قرون متمادی ریشه‌دار شد و با پیدایی و گسترش امپراتوری عثمانی در غرب ایران، تشیع به‌عنوان مذهب رسمی کشور قرار گرفت و در پناه آن موجودیت سیاسی جغرافیایی ایران در سرحدات نزدیک عثمانی تثبیت گردید (مجتهدزاده، ۱۳۹۵: ۱۳۰).

با توجه به پیشینه تاریخی ایران و انسجام فرهنگی و قومی آن و با عنایت به ویژگی‌های جغرافیایی و موقعیت این سرزمین، اندیشه سیاسی ناسیونالیسم و ملی‌گرایی از ابتدای تاریخ و در دوره‌های مختلف در میان ملت وجود داشته است. علاوه بر شاخصه‌های جغرافیایی و پیشینه تاریخی، دین و مذهب از عوامل پایدار انسجام‌بخش و وحدت‌آفرین در ایجاد و احیای آرمان سیاسی در میان ملت ایران به حساب می‌آید؛ بنابراین کشور ایران با سابقه تمدنی کهن خود می‌تواند در برگیرنده دو نماد اصلی ملی و دینی باشد. در نمادهای ملی، محورهای هم چون آیین‌ها و سنن باستانی، اسطوره‌ها، زبان و ادبیات فارسی و داستان‌های دلاوری، عناصر پایدار و خلیقات پسندیده ملی مطرح بوده و در نمادهای مذهبی، تشیع به‌همراه مبارزات آن در کنار اصل خدامحوری و روحیه شهادت‌طلبی، ظلم‌ستیزی و ایثار، سرلوحه مبارزات اسلامی این سرزمین بوده و هست. همچنین در انتظار یک منجی بودن نیز از دیگر نمادهای مذهبی است. این امر جلوه‌هایی از استقامت و پایداری را که مدنظر افکار عمومی است، در یک رویکرد ارزشی-فرهنگی مطرح می‌سازد. به‌طورکلی در حال حاضر یکی از مؤثرترین عوامل منسجم‌کننده ساختار ترکیبی ملت، مشارکت متوازن اقوام و اجزای ملت (چه در ترکیب اجتماعی و چه در ترکیب فضایی آن) در سرنوشت و امور ملی کشور است. حضور گروه‌ها و اقوام مختلف به نسبت سهمی که در جمعیت کل کشور دارند، در پایتخت ملی و تصرف پایگاه‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و امنیتی جامعه، همچنین بهره‌مندی متناسب با سهم هر یک از منابع مشاع و مشترک ملی، نظیر بودجه عمومی، نقشی

مثبت در توسعه فضایی جمعیت، اعتماد، هم‌بستگی و همدلی ملی دارد. ولی باید اذعان کرد که در جامعه امروز ایران الگوی متوازن مشارکت مشاهده نمی‌شود و دیدگاه دولت و بخش مرکزی ملت، نسبت به بخش حاشیه به دلیل برخی رفتارهای واگرایانه این بخش، توأم با بدبینی و سوءتفاهم است. بر همین اساس تعامل ملی بین بخش مرکزی و پیرامونی، به‌ویژه در مناطق اقلیت‌نشین نامتجانس‌تر، به‌خوبی برقرار نمی‌شود. بخش پیرامونی به‌جز برخی مناطق آذری‌نشین، سهم چندانی در امور ملی ندارد. این اقلیت‌ها به‌ویژه بلوچ‌ها، ترکمن‌ها، اعراب و کردها در پایتخت ملی نیز بسیار کم حضور دارند و در مقابل چندان احساس تعلق به بخش مرکزی و پایتخت نمی‌کنند (مهرابی، ۱۳۹۹: ۱۲۱؛ نقل از نوذری، ۱۳۹۲: ۳۳۳-۳۳۲). برای تحلیل عمیق‌تر، لازم است دو مفهوم کلیدی تمدن نوین اسلامی و هم‌گرایی ملی تعریف و چهارچوب‌بندی شوند.

۳-۱. تعریف تمدن نوین اسلامی (بر اساس دیدگاه رهبر معظم انقلاب)

تمدن نوین اسلامی در منظومه فکری ایران، صرفاً بازگشت به دوران شکوه گذشته (مانند دوران تمدن اسلامی کلاسیک) نیست، بلکه یک فرایند پویا و روبه‌جلو است که بر پایه‌های فکری، علمی و اخلاقی اسلام بنا شده است. این تمدن دارای مؤلفه‌های زیر است: مبانی فکری و معرفتی: محوریت توحید، عقلانیت دینی و انسان‌محوری (البته نه انسان‌محوری سکولار).

زیرساخت‌های علمی و فناورانه: دستیابی به قله‌های علم و فناوری با حفظ هویت اسلامی. ساختار حکومتی: استقرار نظام حکمرانی مبتنی بر عدالت، معنویت و مردم‌سالاری دینی. ابعاد اجتماعی و فرهنگی: نهادهای سازنده اخلاق اسلامی، تقویت خانواده و توسعه عدالت اجتماعی فراگیر.

رهبر معظم انقلاب تأکید دارند که تمدن نوین اسلامی، پاسخی به ناکارآمدی‌های تمدن مادی غرب است و باید به‌سوی یک جامعه مؤمن، مستقل، پیشرفته و عدالت‌محور حرکت



کند. این تمدن، پروژه‌ای بلندمدت است که بر پایه هویت واحد اسلامی ایرانی تعریف می‌شود.

۲-۳. مفهوم «هم‌گرایی ملی»^۱ در بستر ایران فرهنگی و جغرافیایی

هم‌گرایی ملی به معنای انسجام عمیق اجتماعی، اعتماد متقابل بین ملت و دولت و احساس تعلق مشترک به هویت ملی و آرمان‌های بزرگ‌تر است، به گونه‌ای که اختلافات فرعی (قومی، مذهبی، طبقاتی) تحت الشعاع منافع عالیه ملی قرار گیرند. در بستر ایران، هم‌گرایی ملی باید با در نظر گرفتن دو بُعد اساسی شکل گیرد:

بُعد قومی: ایران سرزمینی است که اقوام گوناگونی چون فارس، تُرک، کُرد، لُر، بلوچ، عرب و ... را در خود جای داده است. هم‌گرایی قومی به معنای حذف هویت‌های محلی نیست، بلکه به رسمیت شناختن این تنوع در چهارچوب هویت ملی واحد ایرانی-اسلامی است.

بُعد مذهبی: با وجود اکثریت شیعه، حضور مذاهب اهل سنت، مسیحیان، کلیمیان و زرتشتیان نیازمند تضمین حقوق و ایجاد فضای مشارکت در چهارچوب جمهوری اسلامی است.

می‌توان هم‌گرایی را به عنوان متغیر مستقل و تحقق تمدن نوین اسلامی را به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفت. هم‌گرایی به عنوان یک «سرمایه اجتماعی نهادی شده» عمل می‌کند که از طریق افزایش ثبات سیاسی و تقویت مشروعیت، فرایند تمدن‌سازی را تسریع می‌بخشد.

۱-۲-۳. نقش هم‌گرایی اقوام و مذاهب در تحقق تمدن نوین اسلامی

هم‌گرایی ملی، نه تنها یک پیش‌نیاز ایستا، بلکه یک عامل فعال و دینامیک در ساختار قدرت و پیشرفت تمدنی ایران محسوب می‌شود.

1. National Cohesion

۳-۲-۲. هم‌گرایی به مثابه قدرت داخلی

قدرت یک نظام، به‌خصوص در معادلات ژئوپلیتیک منطقه و جهان، مستقیماً با انسجام داخلی آن نسبت عکس با تهدیدات خارجی دارد.

تقویت سرمایه اجتماعی و اعتماد ملی: تمدن‌سازی نیازمند بسیج منابع انسانی و فکری است. وقتی اقوام و مذاهب احساس کنند که بخشی از ساختار قدرت و توسعه هستند، سطح اعتمادشان به نظام و یکدیگر افزایش یافته و تمایل به مشارکت در طرح‌های ملی بالا می‌رود. این سرمایه اجتماعی قوی، می‌تواند در برابر فشارهای خارجی مقاومت کند.

افزایش مشروعیت نظام: نظام جمهوری اسلامی ایران، با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، مشروعیت خود را از مردم می‌گیرد. عدم مشارکت یا به حاشیه راندن اقوام و مذاهب، مشروعیت نظام در سطح بین‌المللی (به‌ویژه در جهان اسلام) را زیر سؤال می‌برد. اجرای اصل «حفظ کرامت انسانی و احترام به تنوع» نه تنها وظیفه دینی است، بلکه ابزاری برای تأمین مشروعیت پایدار داخلی و منطقه‌ای است.

خنثی‌سازی توطئه‌های تجزیه‌طلبانه: دخالت‌های خارجی همواره بر شکاف‌های قومی و مذهبی متمرکز است. هم‌گرایی عمیق، شبکه‌های اجتماعی را چنان مستحکم می‌کند که هرگونه تلاش برای ایجاد گسست (مانند دامن زدن به مسائل تجزیه‌طلبانه در مناطق مرزی) با مقاومت خود مردم منطقه مواجه شده و بی‌اثر می‌گردد.

۳-۲-۳. هم‌گرایی به مثابه الگوی جهانی

یکی از اهداف تمدن نوین اسلامی، ارائه یک الگو برای جوامع مسلمان و جهان است. الگوی غالب جهانی (غرب)، اغلب مبتنی بر مفهوم «پذیرش اجباری در قالب ذوب‌شدن فرهنگی» است.

مدل وحدت در عین کثرت: ایران می‌تواند به جهان نشان دهد که چگونه می‌توان هویت‌های تاریخی و قومی قدرتمند را حفظ کرد و هم‌زمان، تحت چتر واحد اسلام و



آرمان‌های انقلابی، به وحدتی نیرومند دست یافت. این «وحدت درون‌گرا» در مقابل «وحدت برآمده از سلطه» قرار می‌گیرد.

الگویی برای جهان اسلام: بسیاری از کشورهای اسلامی با چالش‌های عمیق هویتی، قومی و فرقه‌ای دست‌وپنجه نرم می‌کنند. اگر ایران بتواند در عمل نشان دهد که اقوام و مذاهب مختلف در پیشبرد اهداف عالیه نظام (علمی، نظامی، اقتصادی) مشارکت فعال دارند، الگوی موفق برای حل تعارضات درونی جهان اسلام ارائه کرده است.

۳-۲-۴. هم‌گرایی به مثابه عامل پیشرفت تمدنی

پیشرفت تمدنی متکی بر خلاقیت، نوآوری و بهره‌برداری از تمام ظرفیت‌های موجود است. سهم فرهنگی و علمی: هر قوم و منطقه‌ای دارای میراث فرهنگی، زبان و دانش بومی خاصی است که می‌تواند غنای تمدن اسلامی را افزایش دهد. برای مثال، غنای ادبیات فارسی، ادبیات ترکی و فرهنگ شفاهی اقوام مختلف، مواد خام ارزشمندی برای تولیدات فرهنگی-هنری مبتنی بر هویت اسلامی فراهم می‌آورد.

توسعه اقتصادی متوازن: عدم توجه به مناطق قومی و مذهبی منجر به توسعه نامتوازن اقتصادی و نارضایتی می‌شود. اجرای عدالت توزیعی و سرمایه‌گذاری هدفمند در مناطق محروم قومی، نه تنها عدالت را محقق می‌سازد، بلکه با ایجاد اشتغال و بهبود زیرساخت‌ها، به رشد اقتصادی کلان کشور کمک کرده و بنیان‌های مادی تمدن را تقویت می‌کند.

۴. روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق براساس هدف، در زمره تحقیقات کاربردی-توسعه‌ای قرار دارد؛ زیرا از یک‌سو که موجب افزایش دانش موجود نسبت به موضوع تحقیق و توسعه و تعمیم نتایج به حوزه‌های مشابه خواهد شد، توسعه‌ای است و از آن‌جهت که نتایج تحقیق مورد استفاده تصمیم‌گیرندگان کشوری و لشکری قرار می‌گیرد، در دسته تحقیقات کاربردی نیز قرار می‌گیرد. این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی با رویکرد کیفی انجام گردیده است.

بدین صورت که پژوهشگر آنچه را که وجود دارد مطالعه کرده و به توصیف عینی، واقعی و منظم آن پرداخته است و در روش زمینه‌ای موردی به مطالعه عمیق و ژرفانگر طرح احصای ظرفیت‌های جغرافیای فرهنگی جمهوری اسلامی در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی می‌پردازد. روش تحقیق با رویکرد آمیخته (کیفی مبتنی بر روش تحلیل محتوا و کمی با تمرکز بر پرسش‌نامه) است. روش نمونه‌گیری در این تحقیق به صورت تمام شمار است. برای استخراج پایایی و اعتبارسنجی هر یک از ابعاد پرسش‌نامه اولیه، پس از در اختیار گذاشتن پرسش‌نامه نزد ۲۵ نفر از خبرگان آشنا و مسلط به موضوع تحقیق و جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۷ با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ اقدام به سنجش پایایی هر یک از ابعاد به طور جداگانه شده است. سپس پرسش‌نامه استخراج شده با ۷۴ گویه در اختیار حجم نمونه جامعه خبره که به صورت هدفمند همگون ۱۶ نفر تعیین شده است، قرار گرفت.

۵. تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

۵-۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌گویان

نتایج به دست آمده از جامعه آماری ۴۱ نفره نشان‌دهنده این است که ۱۰۰ درصد جامعه دارای تحصیلات بالاتر از کارشناسی ارشد هستند. ۶۵/۹ درصد از آن‌ها دارای تحصیلاتی مرتبط با تحقیق در زمینه دیپلماسی فرهنگی هستند و ۷۸ درصد از آن‌ها در حد خیلی زیاد و زیاد با مسئله آشنایی دارند.

جدول ۱: فروانی تخصص تحصیلی و آشنایی با حوزه مطالعه

تخصص تحصیلی	درصد فروانی	آشنایی با حوزه مطالعه	درصد فراوانی
مدیریت راهبردی	۳۹	خیلی کم	۰
ژئوپلیتیک	۱۹/۶	کم	۲/۴
جغرافیای سیاسی	۱۴/۶	متوسط	۱۹/۵
علوم دفاعی راهبردی	۱۴/۶	زیاد	۲۶/۸



تخصص تحصیلی	درصد فراوانی	آشنایی با حوزه مطالعه	درصد فراوانی
جغرافیای فرهنگی	۷/۳	خیلی زیاد	۵۱/۲
مدیریت	۲/۴		
امنیت ملی	۲/۴		

۵-۲. استخراج عوامل محیطی داخلی و خارجی

مرحله اول: آزمون‌های مرتبط با تجزیه و تحلیل و تأیید عوامل محیطی داخلی و خارجی با توجه به بررسی اسنادی و کتابخانه‌ای، مصاحبه اکتشافی با صاحب‌نظران و اخذ نظر خبرگان و جهت انسجام‌بخشی به مطالب و کمک ذهنی به پاسخ‌گویان در جهت پاسخ به گویه‌ها، ابتدا عوامل محیطی احصا شده در قالب هشت رویکرد هم‌گرایی اقوام و مذاهب، آموزه‌های اسلامی و معنویت، میراث تاریخی، تنوع قومی و زبانی، فرهنگ ایثار و مقاومت، دیپلماسی فرهنگی، ظرفیت‌های قرآنی و دینی و زبان و ادبیات که در قالب مدل مفهومی و چهارچوب نظری تحقیق در فصل دوم تبیین گردید، دسته‌بندی شده و بنابراین در مرحله اول نسبت به احصا ۹۱ گویه (با ویژگی بدون سوگیری) اقدام و پس از تعیین روایی پرسش‌نامه (CVR & CVI) نسبت به اصلاح گویه‌ها پرداخته و در انتها پرسش‌نامه نهایی مربوط به عوامل محیطی داخلی تحقیق به ۳۳ گویه (۱۱ فرصت، ۷ ضعف) و عوامل محیط خارجی به ۴۱ گویه (۱۰ فرصت و ۷ تهدید) جمعاً ۳۵ گویه متناسب با رویکردهای فوق‌الذکر تقلیل یافته که پس از اعتبارسنجی همه آن‌ها مورد تأیید و در اختیار نمونه آماری ۱۶ نفره قرار گرفت.

مرحله دوم: شناسایی (استخراج) و رتبه‌بندی عوامل محیطی داخلی و خارجی

در این مرحله با توجه به نتایج پرسش‌نامه، از نمونه آماری با استفاده از نرم‌افزار SPSS بهره‌گیری از آزمون فریدمن نسبت به اولویت‌بندی عوامل قوت (S1-S11)، ضعف (W1-W7)، فرصت (O1-O10) و تهدید (T1-T7) اقدام شده است.

قوت‌ها

جدول ۲: رتبه‌بندی نقاط قوت در هم‌گرایی اقوام و مذاهب داخلی ایران در تحقق الگوی تمدن نوین اسلامی

شناسه	عوامل محیط داخلی (قوت)
S1	نقش ایران به‌عنوان پایه تمدن اسلامی
S2	تقویت هویت ملی بر پایه تنوع زبانی و قومی
S3	حمایت از آئین‌ها و سنت‌های اقوام مختلف
S4	مشارکت اقلیت‌های دینی در ساختار اجتماعی ایران
S5	تقویت مشارکت مردم در مراسم مذهبی (اربعین، رمضان)
S6	ترویج ارزش‌های ایثار در مناسبت‌های ملی کشور
S7	بهره‌برداری از تنوع فرهنگی در هم‌گرایی ملی
S8	ترویج هنر و صنایع‌دستی بومی در سطح ملی
S9	برگزاری جشنواره‌های فرهنگی با مشارکت اقوام
S10	تولید محتواهای وحدت‌محور در رسانه‌ها و سینما در کشور
S11	توسعه مساجد به‌عنوان مراکز اجتماعی و فرهنگی

ضعف‌ها

جدول ۳: رتبه‌بندی نقاط ضعف در هم‌گرایی اقوام و مذاهب داخلی ایران در تحقق الگوی تمدن نوین اسلامی

شناسه	عوامل محیط داخلی (ضعف‌ها)
W1	حمایت از هنرمندان و تولیدکنندگان محتوای اسلامی در کشور
W2	استقبال کم‌رنگ زبان فارسی نسبت به زبان‌های خارجی در نسل جدید
W3	تولید آثار هنری با محوریت تاریخ اسلامی ایران
W4	حمایت از زبان‌های قومی برای حفظ هویت فرهنگی
W5	توسعه نهادهای بین‌المللی مرتبط با زبان فارسی
W6	کمبود برنامه‌های فرهنگی مشترک برای تقویت هم‌گرایی اقوام
W7	تأکید بر هویت تاریخی ایران در آموزش رسمی



فرصت‌ها

جدول ۴: رتبه‌بندی نقاط فرصت در هم‌گرایی اقوام و مذاهب داخلی ایران در تحقق الگوی تمدن نوین اسلامی

شناسه	عوامل محیط خارجی (فرصت‌ها)
O1	احیای فرهنگ مشترک در بین کشورهای اسلامی
O2	ارتباط با کشورهای اسلامی با میراث مشترک فرهنگی
O3	نهادهای وحدت‌آفرین مانند مجمع جهانی تقریب مذاهب
O4	گسترش گفتمان مقاومت اسلامی در منطقه و جهان
O5	آموزش زبان و ادبیات فارسی به غیرفارسی‌زبانان در کشورهای اسلامی
O6	تعامل فعال شیعه و سنی در قالب نشست‌های مشترک
O7	ترویج هنر و صنایع‌دستی بومی در سطح بین‌المللی
O8	گسترش ارتباطات بین‌فرهنگی داخلی و منطقه‌ای
O9	تأکید بر نقش زبان فارسی در انتقال ارزش‌های تمدنی
O10	انتقال فرهنگ مقاومت به نسل‌های جدید در کشورها

تهدیدها

جدول ۵: رتبه‌بندی نقاط تهدیدها در هم‌گرایی اقوام و مذاهب داخلی ایران در تحقق الگوی تمدن نوین اسلامی

شناسه	عوامل محیط خارجی (تهدیدات)
T1	تحریک کشورهای همسایه برای محدودسازی نفوذ فرهنگی و مذهبی ایران
T2	ترویج معنویت‌های کاذب و جایگزینی آن با آموزه‌های اصیل اسلامی
T3	تأثیرپذیری فرهنگ غربی در کاهش فرهنگ ایثار و شهادت در جهان اسلام
T4	تحریف تاریخ اقوام ایرانی و ترویج هویت‌های جعلی
T5	تضعیف جایگاه زبان فارسی در مجامع بین‌المللی
T6	حمایت برخی کشورهای منطقه در جهت هم‌سو شدن غرب برای محدود کردن نفوذ فرهنگی ایران
T7	تولید آثار هنری با محتوای وحدت اسلامی در جهان اسلام

مرحله سوم: تشکیل ماتریس عوامل محیطی داخلی و خارجی

برای تشکیل ماتریس‌های ارزیابی عوامل داخلی و خارجی به هر عامل براساس میزان تأثیری که در تدوین راهبرد دارد ابتدا نمره‌ای تحت عنوان ضریب اهمیت داده می‌شود (از طریق پرسش‌نامه)، سپس نسبت به نرمال‌سازی وزن هریک از عوامل و در ادامه، نمره موزون هر عامل حاصل گردید که خلاصه نتایج محاسبات به صورت جدول شماره (۶) آمده است.

جدول ۶: نتایج ماتریس ارزیابی عوامل داخلی «IFE»^۱ و عوامل خارجی «EFE»^۲

وضع مطلوب		وضع موجود		وزن	اهمیت	عامل	محیط
امتیاز موزون	رتبه	امتیاز موزون	رتبه				
۲/۳۰۶	۷۶	۱/۷۵۳	۵۷	۰/۵۴۲	۸۱	قوت	داخلی (IFE)
۰/۸۴۷	۲۸	۰/۶۳۷	۲۱	۰/۴۲۱	۵۹/۵	ضعف	
۳/۱۵۳	۱۰۴	۰/۶۳۷	۷۸	۰/۹۶۳	۱۴۰/۵	مجموع	
۲/۴	۹۶	۱/۵۸۱	۶۳/۴	۰/۶	۱۰۸	فرصت	خارجی (EFE)
۰/۸۰۲	۳۴	۰/۵۶۱	۳۰/۵	۰/۴۰۱	۷۲/۵	تهدید	
۳/۲۰۲	۱۳۰	۲/۱۴۲	۹۳/۹	۰/۰۰۱	۱۸۰/۵	مجموع	

مرحله چهارم: تعیین موقعیت راهبردی

تعیین موقعیت وضع موجود

جهت تعیین موقعیت راهبردی بر روی محور مختصات باید در جداول ارزیابی عوامل داخلی، نمره موزون ضعف‌ها را از نمره موزون قوت‌ها کسر نمود.

نمره موزون ضعف‌ها - نمره موزون قوت‌ها

$$۱/۷۳ - ۰/۶۳ = ۱/۱$$

همچنین در جداول ارزیابی عوامل خارجی، نمره موزون تهدیدات، از نمره موزون فرصت‌ها کم شده است.

1. Internal Factors Environment

1. External Factors Environment



نمره موزون تهدیدها - نمره موزون فرصت‌ها

$$۱/۵۸ - ۰/۷۲ = ۰/۸۶$$

در محور مختصات، روی محور افقی که در ریاضیات به آن محور X ها گفته می‌شود، عوامل محیطی داخلی یعنی ضعف‌ها و قوت‌ها و روی محور عمودی که در ریاضیات به آن محور Y ها گفته می‌شود، عوامل محیطی خارجی یعنی فرصت‌ها و تهدیدات قرار می‌گیرند. پس از تعیین نتیجه نمرات موزون عوامل داخلی و خارجی و مشخص شدن امتیاز موزون نهایی آن‌ها در ماتریس‌ها، به منظور تعیین موقعیت (وضعیت و جایگاه فعلی) و برای تدوین و فرموله کردن راهبردهای ظرفیت‌های جغرافیای فرهنگی جمهوری اسلامی در نیل به تمدن نوین اسلامی، امتیازات فوق را روی محورهای مختصات، برابر شکل زیر مشخص نموده و نقطه حاصل از تقاطع این دو عدد را به دست می‌آوریم. این نقطه، وضعیت و موقعیت فعلی ما را در این حوزه نشان می‌دهد. این ناحیه که نقطه در آن قرار گرفته، تعیین‌کننده رویکرد فعلی است که محقق موقعیت فعلی را A نامیده است.

تعیین موقعیت وضع مطلوب

مثل حالت قبل جهت تعیین موقعیت راهبردی بر روی محور مختصات، باید در جداول ارزیابی عوامل داخلی، نمره موزون ضعف‌ها را از نمره موزون قوت‌ها کسر نمود.

نمره موزون ضعف‌ها - نمره موزون قوت‌ها

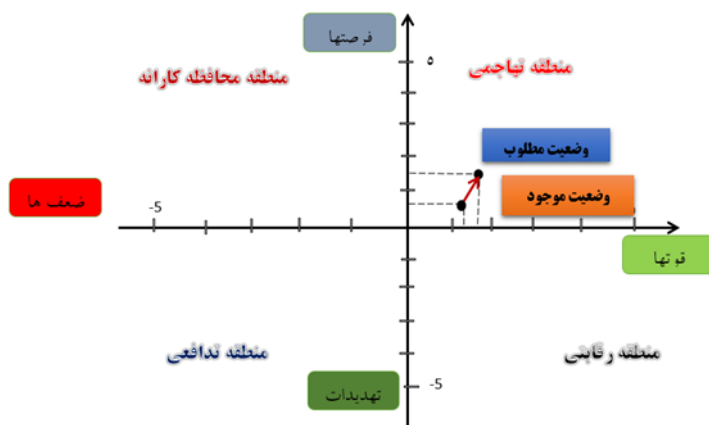
$$۲/۳۰ - ۰/۸۴ = ۱/۴۶$$

همچنین در جداول ارزیابی عوامل خارجی، نمره موزون تهدیدها از نمره موزون فرصت‌ها کم شده است.

نمره موزون تهدیدها - نمره موزون فرصت‌ها

$$۲/۳۹ - ۰/۸۰ = ۱/۵۹$$

در محور مختصات، روی محور افقی که در ریاضیات به آن محور X ها گفته می‌شود، عوامل محیطی داخلی یعنی ضعف‌ها و قوت‌ها و روی محور عمودی که در ریاضیات به آن محور Y ها گفته می‌شود، عوامل محیطی خارجی یعنی فرصت‌ها و تهدیدات قرار می‌گیرند.



شکل ۱: ماتریس «ارزیابی موقعیت و اقدام راهبردی»^۱

پس از تعیین نتیجه نمرات نرمالیزه عوامل داخلی و خارجی و مشخص شدن امتیاز موزون نهایی آن‌ها در ماتریس‌ها به منظور تعیین موقعیت (وضعیت و جایگاه مطلوب) و برای تدوین و فرموله کردن راهبردهای ظرفیت‌های جغرافیای فرهنگی جمهوری اسلامی در نیل به تمدن نوین اسلامی، امتیازات فوق را روی محورهای مختصات برابر شکل (۱)، مشخص نموده و نقطه حاصل از تقاطع این دو عدد را به دست می‌آوریم. نقطه A وضعیت و موقعیت موجود ما را در ناحیه رقابتی و نقطه B وضعیت و موقعیت مطلوب ما را در ناحیه تهاجمی نشان می‌دهند. نقطه B تعیین‌کننده رویکرد مطلوب است.

1. (SPACE) Strategic Position & Action Evaluation



مرحله پنجم: تشکیل ماتریس زوجی قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها

هدف و خروجی تهیه این ماتریس گزینه‌ها و تدابیر راهبردی هستند. در این مرحله با مقایسه دو به دو عوامل محیط داخلی و خارجی می‌توان چهار نوع راهبرد SO، ST، WO، WT را تعیین نمود. مقایسه کردن عوامل داخلی و خارجی از مشکل‌ترین بخش‌های تهیه ماتریس تهدیدها، فرصت‌ها، نقاط ضعف و قوت است و به قضاوت‌های خوب نیاز دارد. در این ماتریس در هر مرحله دو عامل با هم مقایسه می‌شوند و در مرحله اول هدف این نیست که بهترین راهبردها مشخص شود، بلکه هدف تعیین راهبردهای قابل اجرا است، بنابراین همه راهبردهایی که در ماتریس تهدیدها، فرصت‌ها، نقاط قوت و ضعف ارائه می‌گردند، انتخاب و اجرا نخواهند شد. براساس مقایسه دو به دو عوامل مربوط به متغیرهای داخلی و خارجی و براساس گروه‌بندی در قالب نواحی SO، ST، WO و WT تعداد ۳۵ راهبرد احصا شده است.

احصای راهبردهای اصلی

پس از احصای ۳۵ راهبرد بخشی ظرفیت‌های جغرافیای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در راستای احیای تمدن نوین اسلامی، ابتدا جلسه با حضور اساتید محترم راهنما و مشاور در مورخه ۱۴۰۴/۰۲/۲۸ برگزار گردید و پس از بحث و بررسی تعداد ۱۰ راهبرد احصا شده اولیه (با تجمیع و اصلاح) به تعداد ۷ راهبرد اصلی تقلیل یافت و نهایتاً با برگزاری جلسه خبرگی در مورخه ۱۴۰۴/۲/۲۸ براساس ۷۴ عامل منتخب تحقیق با تکیه بر راهبردهای بخشی فوق‌الذکر با اعمال نظر و پیشنهادهای مطرح شده تعداد ۳ راهبرد اصلی مورد تأیید مجدد قرار گرفت.

راهبرد شماره ۱: هم‌گرایی در جهان اسلام؛ تقویت انسجام وحدت بین کشورهای اسلامی برای بهبود هم‌گرایی در مناسبات سیاسی و فرهنگی کشورهای اسلامی، از طریق تقویت و اجرای مناسبت‌های مذهبی-فرهنگی مانند اعیاد مشترک اسلامی، اعتکاف، اربعین و میراث مشترک فرهنگی و مذهبی در سطح جهان اسلام که به افزایش وحدت و انسجام فرهنگی و تمدنی بین آن‌ها منجر شود.

راهبرد شماره ۲: استفاده از ظرفیت جغرافیای فرهنگی ایران در جهان اسلام و محور مقاومت؛ افزایش بُرد فرهنگی ایران به عنوان موتور محرک تمدن اسلامی در گذشته در کشورهای پیرامونی و جهان اسلام از طریق تأکید بر میراث مشترک فرهنگی و تاریخی با همسایگان و سایر کشورهای اسلامی همراه با برگزاری نمایشگاه‌ها و همایش‌های بین‌المللی فرهنگی برای تقویت اثرگذاری فرهنگ ایران در جوامع اسلامی و محور مقاومت.

راهبرد شماره ۳: انسجام مذهبی، قومی و تاریخی؛ تقویت انسجام و یکپارچگی قومی، مذهبی و تاریخی به عنوان نمونه و الگویی فرهنگی برای افزایش اثرگذاری فرهنگی بر کشورهای پیرامونی و جهان اسلام از طریق ایجاد وحدت بین شیعه و سنی در داخل کشور با برگزاری مراسم مشترک مذهبی، تأکید بر هفته وحدت، تقویت انسجام قومی حمایت از زبان‌های قومی، خرده فرهنگ‌های قومی و تأکید بر هویت تاریخی برای ایجاد و تقویت انسجام و اتحاد داخلی کشور و ارائه آن به صورت الگویی برای سایر کشورهای اسلامی.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

تحقق چشم‌انداز تمدن نوین اسلامی، نه تنها یک آرمان دینی و سیاسی، بلکه یک پروژه تمدنی در عرصه جهانی است. این پروژه نمی‌تواند بر بستر جامعه‌ای متفرق یا ناراضی بنا شود. هم‌گرایی اقوام و مذاهب، به عنوان قلب تپنده انسجام ملی، نقش محوری و استراتژیکی در این مسیر ایفا می‌کند.

یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که تنوع موجود در ساختار جمعیتی ایران، در صورت تبدیل شدن به هم‌گرایی سازنده، به مزیت استراتژیک تبدیل خواهد شد. این هم‌گرایی، قدرت داخلی را از طریق افزایش مشروعیت و اعتماد ملی تضمین می‌کند و به تمدن نوین اسلامی، ظرفیت ارائه یک الگوی جهانی برای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و پیشرفت توأم با حفظ هویت‌های محلی را می‌بخشد. چالش اصلی در گرو گذار از گفتمان «مدیریت شکاف‌ها» به گفتمان «تولید قدرت از کثرت» است. این امر مستلزم اجرای قاطعانه عدالت اجتماعی،



مشارکت‌دهی هدفمند در ساختار مدیریتی و مقابله هوشمندانه با عملیات نفوذ دشمن است تا هم‌گرایی به موتور محرکه اصلی پیشرفت تمدنی تبدیل شود.

۶-۱. پیشنهادهای پژوهش

تحقق هم‌گرایی در مسیر تمدن‌سازی نیازمند اقدامات ساختاری، فرهنگی و مدیریتی است.

✓ اجرای عدالت اجتماعی و توسعه متوازن منطقه‌ای

اولین گام برای تقویت هم‌گرایی، اثبات عملی تعهد نظام به عدالت است. توزیع عادلانه منابع: تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای ویژه (مانند سند آمایش سرزمین) که به‌طور هدفمند نابرابری‌های تاریخی در استان‌های مرزی و قومی را هدف قرار دهد.

فرصت‌های شغلی: ایجاد زنجیره‌های ارزش اقتصادی متناسب با ظرفیت‌های هر منطقه (مثلاً گردشگری در مناطق کردنشین، کشاورزی در سیستان و بلوچستان و صنایع‌دستی در آذربایجان) و اولویت‌دهی به استخدام نیروی کار محلی در پروژه‌های بزرگ منطقه.

✓ مشارکت فعال در ساختار مدیریتی و سیاسی

هم‌گرایی از طریق «نمایندگی حقیقی» در ساختار قدرت تقویت می‌شود. سهمیه‌بندی مدیریتی غیررسمی: در عین حفظ شایسته‌سالاری، نظام باید سهم معقولی از مدیران ارشد و میانی را به شایستگان اقوام و مذاهب اختصاص دهد تا تصویر «حکومت یکدست» شکسته شود.

تقویت شوراهای محلی و استانی: اعطای اختیارات بیشتر به فرمانداران و استاندارانی که ریشه در همان منطقه دارند، با هدف پاسخ‌گویی سریع‌تر به مطالبات بومی.

✓ راهبردهای آموزشی و رسانه‌ای برای فرهنگ‌سازی

تقویت هویت مشترک نیازمند تولید محتوای هویتی منسجم است.

آموزش چندفرهنگی در کتب درسی: بازنگری در کتب درسی و دانشگاهی به منظور برجسته‌سازی نقش تاریخی و علمی شخصیت‌های برجسته هر قوم و مذهب در شکل‌گیری تاریخ و تمدن ایران.

رسانه‌های مولتی‌مدیا: تولید فیلم‌ها، سریال‌ها و مستندهایی که به‌جای تمرکز بر اختلافات، بر قهرمانی‌ها و موفقیت‌های مشترک (مانند دفاع مقدس) تمرکز کنند و از ظرفیت رسانه‌های بومی (شبکه‌های استانی و محلی) برای انعکاس صدای اقوام با زبان مادری بهره گیرند. گفت‌وگوی بین‌مذهبی رسمی: نهادهای سازنده بین‌نخبگان شیعه و سنی، با محوریت مراجع رسمی و نه گروه‌های افراطی.



فهرست منابع

- احمدی مقدم، اسماعیل (۱۴۰۰). *راهبردهای دانشگاه عالی دفاع ملی در مسیر تمدن‌سازی در افق ۱۴۱۰ هـ. ش.*، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، دوره ۱۹، شماره ۸۶.
- بختیاری، مسعود (۱۳۸۵)، *مصاحبه اختصاصی درخصوص راهبرد دفاعی ایران در برابر عراق*، (قبل از انقلاب)، تهران.
- بیک محمدلو، حسن (۱۴۰۳). *مفهوم‌شناسی پیشرفت دریایی در بیانات مقام معظم رهبری*، بولتن خبری مجمع تشخیص مصلحت نظام، صفحه عمومی.
- جان احمدی، فاطمه (۱۳۹۹). *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، قم: معارف.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱). *تسنیم: تفسیر قرآن کریم (جلد نهم: مبانی حکومت اسلامی)*. قم: انتشارات اسراء.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۶). *بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی*. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی (سند کلیدی تمدن‌سازی).
- دهخدا، علی اکبر (۱۴۰۰). *لغت‌نامه*، تهران: دانشگاه تهران.
- رئیس‌زاده، محمداسماعیل؛ مرادی، پریسا (۱۴۰۱). *تحلیل راهبردهای تقویت سرمایه اجتماعی در مناطق قومی با تأکید بر الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت*. فصلنامه مطالعات راهبردی علوم انسانی و اجتماعی، ۱۵ (۳).
- سعادت، احمد؛ سرپرست سادات، سیدابراهیم (۱۳۹۴). *ظرفیت‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در تمدن‌سازی*.
- سفیدگر، محمدتقی (۱۳۹۱). *الگوی تمدن نوین اسلامی: مبانی، اصول و مؤلفه‌ها*. تهران: دانشگاه امام صادق^(ع).
- صفربیگی، حمزه؛ میرزازاده، احمد؛ بیگلو، فرامرز؛ کمالی زاده، محمد (۱۴۰۱). *نسبت مفهوم فرهنگ و تمدن نوین اسلامی در گفتمان رهبری انقلاب اسلامی ایران*. آمایش سیاسی فضا، شماره ۵ (۱).
- صفوی، سیدیحیی (۱۳۸۴)، *مقدمه‌ای بر جغرافیای نظامی ایران*، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

- عمید، حسن (۱۳۹۵). *فرهنگ فارسی عمید*، تهران: امیرکبیر.
- لوکاس، هنری (۱۳۹۳). *تاریخ تمدن*، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران؛ مؤسسه کیهان.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۹). *ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایرانی*، تهران: نشرنی.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۵)، *کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس*، ترجمه؛ حمیدرضا ملک محمدی نوری، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ سوم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). *خدمات متقابل اسلام و ایران*، تهران؛ صدرا.
- ملک افضلی اردکانی، محسن (۱۳۹۹). *ظرفیت‌های تمدنی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه اندیشه و تمدن اسلامی، شماره ۲۲.
- مهرابی، حسین (۱۳۹۹). *طرح راهبردی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا با تأکید بر نقش عوامل ژئوپلیتیکی کشورهای محور مقاومت*، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- نوذری، فضل‌الله (۱۳۹۲)، *ژئوپلیتیک حوزه دریای عمان*، تهران، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- الهامی، امیرحسین؛ افضلی، علی؛ عبدلی، ابوالفضل؛ مقدسی، بهنام؛ قاسمی، سید اکبر (۱۴۰۳). *راهبرد ارتقای جایگاه ژئوکالچر جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز جنوبی*، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، دوره ۲۲، شماره ۹۸، زمستان، صفحات ۳۲-۵.



References

- Andrabi, Abroo Aman. (2024) The impact of cross-cultural interactions on scientific progress during the Islamic golden, Journal of Xi'an University of Architecture & Technology, DOI: 10.37896/JXAT16.2/33326.
- Amirian Doost, S., & Bani Ardalan, E. (2024). Visual Reading of Human-Based Ritual Belief-Oriented Images in Ancient Iranian Prehistoric Culture. Negareh Journal, 19(72), 141-160.